

<p>فصل: دوم درس: هشتم نام طراح: علیرضا اسماعیلی (سرگروه علوم اجتماعی شهرستان درمیان)</p>	<p>به نام خدا معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه نظری دبیرخانه راهبری کشوری علوم اجتماعی و سواد رسانه ای تولید شده در استان خراسان جنوبی</p>	<p>محتوای نوشتاری کتاب: جامعه شناسی ۲ سال تحصیلی: ۹۹ - ۱۴۰۰</p>
--	---	---

موضوع: تحولات نظام جهانی

عنوان: درسنامه درس ۸ جامعه شناسی ۲

اهداف درس

- الف) بررسی تحولات اقتصادی - سیاسی نظام جهانی قبل و بعد از استعمار .
- ب) بررسی مفهوم دولت - ملت ها.
- ج) بررسی مفهوم امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ و ابعاد آن.

انتظارات درس

- الف) آشنایی دانش آموزان با تحولات اقتصادی - سیاسی نظام جهانی قبل و بعد از استعمار.
- ب) آشنایی دانش آموزان با بررسی مفهوم دولت - ملت ها و چونگی شکل گیری و تاریخچه آن.
- ج) آشنایی دانش آموزان با مفهوم امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ و ابعاد آن.

کلمات کلیدی

(نظام جهانی - دولت - ملت ها - جهانی شدن - امپراتوری رسانه - صنعت ارتباطات -)

تشریح درس

مقدمه

<p>واحد اجتماعی که امروزه شیوه غالب زندگی اجتماعی در دنیاست و ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد.</p>	<p>کشور</p>
<p>یک واحد اجتماعی کلان است که خود ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد.</p>	<p>نظام جهانی</p>

تحولات اقتصادی - سیاسی:



عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چارچوب دولت-ملت های جدید شکل گرفت.
قدرت سیاسی این دولت ها با منافع اقتصادی صاحبان ثروت، صنعت و تجارت هماهنگ بود
رقابت های سیاسی استعمارگران، به ویژه در مناطق استعمار زده با منافع اقتصادیشان پیوند میخورد
کشورهای استعمارگر ابتدا اقتصاد کشورهای استعمار زده را دگرگون کردند.

ویژگی های اقتصاد کشورهای غیرغربی پیش از استعمار

- ۱- پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیرغربی به گونه ای **مستقل** بود. ۲- اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود بود.
- ۳- روابط تجاری نیز در حدی نبود که **استقلال سیاسی** آن کشورها را در معرض خطر قرار دهد.

ویژگی های اقتصاد کشورهای غیرغربی پس از استعمار

نکته: در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، برای رفع نیازهای اقتصادی کشورهای غربی استفاده می شد و به تدریج ویژگی های زیر را پیدا کرد:

- ۱- اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، = به بازار مصرف **کالاهای تولید شده کشورهای غربی تبدیل** می شوند. ✓
- ۲- این کشورها، **نیروی کار و مواد خام مورد نیاز کشورهای غربی** را تأمین میکنند. ✓
- ۳- در اغلب موارد، کشورهای تحت نفوذ و استعمار زده به طرف **اقتصاد تک محصولی** سوق داده می شوند؛ ✓
- ۴- **اقتصاد تک محصولی چیه؟؟؟؟؟** به این معنا که صادرات آنها به یک ماده خام محدود می شه، مثل نفت. ✓
- ۵- **خب تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمار زده چه مشکلی داره؟؟؟؟؟** قدرت چانه زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آنها به کشورهای استعمارگر می شود!!! ✓
- ۶- **وابستگی اقتصادی کشورهای استعمار زده به کشورهای استعمارگر چه مشکلی داره؟؟؟؟** مبادلات تجاری در سطح جهانی نا متعادل می شود و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی ادامه پیدا می کند. ✓
- ۷- کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمار زده منتقل می کنند (**خب مشکلش چیه؟؟؟؟**) این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است. بدین ترتیب، با وجود رشد و تحول کشورهای استعمار زده، فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی، همچنان حفظ می شود. ✓
- ۸- **وابستگی کشورهای استعمار زده، امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو** را برای کشورهای استعمارگر پدید می آورد؛ **زیرا** کشورهای غربی بعد از آنکه در کشورهای استعمار زده با **مقاومت های سیاسی** و **نهضت های آزادی بخش** مواجه می شوند، استقلال سیاسی و اقتصادی آنان را به رسمیت می شناسند **اما** اقتصاد وابسته، دولت های مستقل را ناگزیر می کند تا در چرخه نامتعادل جهانی توزیع ثروت قرار گیرند. ✓

افول دولت-ملت ها و جهانی شدن:

چگونگی شکل گیری: حاکمیت‌های سیاسی - اقتصادی جدیدی بودند که نخستین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند.



۱- آنها برخلاف حاکمیت های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی شناختند و کاملاً سکولار بودند

۲- هویت آنها اغلب ناسیونالیستی و قومی است.

۳- این کشورها در مسیر توسعه خود به صورت قدرتهای استعماری درآمدند.

۴- به دنبال فتوحات استعماری، جغرافیای سیاسی جدیدی را در مناطق حضور خود برای دیگر فرهنگ ها پدید آوردند.

۵- پس برای هر یک از این مناطق، هویت جدیدی ساختند، بدین ترتیب، دولت - ملت‌های جدید در بخش های دیگری از جهان شکل گرفت.

۶- هویت های جدیدی که برای هر یک از این مناطق جغرافیایی جدید ساخته می شود، هویتی قومی و سکولار است.

ویژگی ها:

عواملی که سبب پیدایش دولت - ملت ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سده اخیر تغییر یافته اند و به دنبال آن، نقش کشورها و دولت های آنها در جهان تغییر کرده است. برخی از این فرایندها جدید با عنوان **جهانی شدن** یاد می کنند.



✓ اقتصاد سرمایه محور در حرکت های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست های قومی و منطقه ای بود.

✓ به تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت های بزرگ چند ملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از

اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

✓ با شکل گیری نهادهای بین المللی و بازارهای مشترک منطقه ای، سرمایه گذاری شرکت های بین المللی به منطقه ای خاص محدود نمی شود.

✓ آنها با استفاده از شبکه های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می کنند.

✓ کانون های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان های بین المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین المللی را برمیدارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را مخدوش می سازند.



موافقان: معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد و در حال

ایجاد نظم نوین است که تجارت و تولید بین المللی آن را به پیش می راند.

دیدگاه نظریه پردازان

مخالفان: معتقدند در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به گونه ای نیست که

نظمی نوین را در سطح جهانی به دنبال آورد بلکه چالش ها و تضادهایی را پدید می آورد.

جهانی شدن

امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ:

مبادلات فرهنگی در گذشته:

در گذشته، جوامع از طریق **تجارت**، **مهاجرت**، **جنگ** و غیره با یکدیگر مواجهه داشته اند. این برخوردها سبب انتقال و اشاعه فرهنگ ها می شده و **مبادلات فرهنگی** از این طریق شکل می گرفته اند

تأثیر استعمار بر مبادلات فرهنگی:

برخورد استعماری غرب، جوامع غیرغربی را از نظر **اقتصادی** و **سیاسی** در موضع **ضعف** قرار داد. این پدیده اغلب نوعی **خودباختگی فرهنگی** نیز در آن جوامع ایجاد کرد. **خودباختگی فرهنگی** سبب می شود جامعه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و در نتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به گونه ای تقلیدی، فرا گیرد و در شرایطی که جوامع غیر غربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می دهند، **مدیریت انتقال فرهنگ** خود را در **چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی** مورد نظر به دست می گیرد.

مبادلات فرهنگی در زمان حال:

۱- کشورهای استعمارگر پس از استعمار علاوه بر **خودباختگی فرهنگی** جوامع غیر غربی، **صنعت ارتباطات**، ابزار تازه ای بود که به جهان غرب در این مدیریت یاری می رساند. **توسعه صنعت ارتباطات**، فاصله های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به صورت دهکده ای واحد درآورده است.

امپراتوری رسانه: به سبب موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آنها امریکا، در عرصه رسانه، بسیاری از ناظران از امپراتوری رسانه ای نیز سخن می گویند.

از این منظر، امپراتوری فرهنگی تازه ای تأسیس شده است که کشورهای کمتر توسعه یافته در برابر آن آسیب پذیرترند؛ زیرا **منابع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند.**

تجمع قدرت رسانه در دست **صاحبان ثروت و کانون های صهیونیستی**، نه تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می گرداند، بلکه آشکارا برخلاف ارزش های **دموکراتیک** جهان غرب نیز هست. بسیاری از **منتقدان**، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب **تضعیف سازوکارهای دموکراسی** می شود.

نکته: جهان غرب از طریق رسانه، **فرهنگ عمومی** جوامع غیرغربی را مدیریت می کند، اما **تربیت نخبگان کشورهای غیر غربی** بیشتر به شیوه های: **۱- توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی** **۲- تثبیت مرجعیت علمی غرب** است.

۲- جوامع غربی، **بخشی از علوم طبیعی** را که **برای خدمت رسانی به غرب** مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می دهند ولی از آموزش دانش های **راهبردی، خودداری** می کنند.

۳- علوم انسانی غربی که بر بنیان های هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی غرب بعد از رنسانس شکل گرفته اند، زندگی آدمی را بدون توجه به ابعاد معنوی آن، به گونه ای سکولار تعریف می کنند و سازمان می دهند. **ترویج علوم انسانی غربی** در کشورهای غیر غربی، **عمیق ترین** تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد؛ زیرا؟؟؟؟ این علوم موجب می شوند که فرهنگ های دینی، هویت خود را از نگاه فرهنگ غربی بازنگری و ارزیابی کنند. این پدیده، فرهنگ ها را از علمی که بر پایه بنیان های معرفتی دینی است، محروم می گرداند.!!!!!!!!!!!!